



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۱۹/۰۶/۲۴

دوديال

## تبصره ی مختصر در مورد لکچر

### های محترم نور احمد خالدي

دانشمند فرهیخته، نویسنده دقیق، همکار قلمی نشرات افغانی خارج مرز و تحلیلگر مسایل تاریخی؛ جناب نور احمد خالدي به سلسله ی ارائه لکچرهایشان برای محصلان پوهنتون هرات خدمت بزرگ معنوی را انجام داده اند. من فقط از طریق دیگران درین مورد مطلع شدم. یعنی خودم در جریان تدریس شان حاضر نبودم، ولی در شرایط فعلی اگر ما از هر طریقی و به هر وسیله ی در مورد ازدیاد معلومات و بلند بردن سطح دانش محصلان تلاش نماییم، خدمت بس بزرگ خواهد بود، زیرا متأسفانه معلومات فارغان مکاتب در شرایط فعلی خیلی ناچیز و سویه فارغان صنوف ۱۲ مطلوب نیست. محصلان پوهنتونهای ما شدیداً نیاز به چنین لکچرها دارند. هر هموطن ما وقتی سویه ومعلومات محصلان امروز افغانستان را از نزدیک مشاهده فرمایند، خیلی دلسرد و نگران خواهند گردید. جوانان امروز از سجایای عالی اخلاقی، مروت، غرور، ناموسداری، زحمتکشی، سخاوت، روحیه وحدت ملی، وطندوستی و سایر اوصاف والای نیاکان شان نمیدانند، و نه هم آن اوصاف و سجایا را درخود پرورانیده اند. خصوصاً معلومات شان در مورد تاریخ خیلی اندک و برابر به هیچ است. جناب خالدي درین راه و غرض نیل به این مامول، زحمات زیادی را متقبل شده اند. میدانیم که تهیه نمودن یک لکچر برای یک صنف کاری آسان نیست. خداوند برای زحمات خالدي اجر عظیم نصیب فرموده این تلاش شانرا در صدقه جاریه محسوب فرمایند.

در مطالعات تاریخی، و تحلیل اوضاع سیاسی- اجتماعی؛ مروری بر پلانهای اقتصادی و اجتماعی نیز شامل اند. شادروان م. غ. غبار تاریخ نویس شهیر و نامور افغانستان در هر دوره تاریخی مسایل پلانها را نیز تحلیل نموده اند، همچنان شادروان احمدعلی کهزاد، استاد عطایی و سایرین.

جناب خالدي نیز در زمره سایر مسایل تماسهای روی پلانهای پنجساله داشته اند. بهر صورت؛ در مورد پلان و پلانگذاری باید گفت: پلان و پلانگذاری در هر دولت و در هر نوع سیستم سیاسی نتایج خوب و دلخواه داده است. بعضاً در کشور های غربی عوض پلان از کلمات برنامه ریزی یا پروگرامسازی (programming) و مترادف آن استفاده مینمایند. یعنی پلان و پلانگذاری به هیچ صورت مربوط نظام معین و یا یک سیستم خاص سیاسی نیست. پلانگذاری در فرانسه، الجزایر، لیبیا، جاپان، افریقا، هند، اتحاد شوروی سابق، افغانستان، ایران، پاکستان و اکثریت کشورهای جهان وجود داشت و اکنون نیز یکتعداد کشور ها به همان شیوه ها از پلانهای پنجساله استفاده مینمایند، درحالیکه متباقی کشور ها آن شیوه را ترک نموده اند. پلانها از لحاظ مدت، درجه مرکزیت، ساحه و غیره خصوصیات انواع مختلف دارند، مثلاً پلانهای طویل المدت که حتا برای ۱۵ سال مد نظر گرفته میشوند، پلانهای متوسط المدت (پنجساله)، کوتاه مدت، پلانهای جاری یا سالانه و ربع وار... پلانهای سکتوری، پلانهای رشتوی و منطقوی، حتا پلانهای در سطح شایهای تولیدی و بریگادهای کاری و غیره. در تمام اینها درجه مرکزیت بیشتر ملموس است، درحالیکه امروز با توسعه سکتور خصوصی درجه مرکزیت را اهمیت نمیدهند، بلکه دولتها صرف نقش ارشادی داشته در صورت ناکام شدن و یا انحراف سکتور خصوصی و ایجاد بحران در مسایل اقتصادی مداخله مینمایند، یعنی دولتها حق مداخله را در امور اقتصادی بای خود محفوظ نگه داشته اند، اما برای سکتور خصوصی و متشبت عرصه وساحه ابتکار، سرمایهگذاری، بازاریابی و سایر مسایل را باز گذاشته و از آن حمایت مینمایند، رهنمایی آن از طریق چینلهای قانونی بدست ادارات دولت است. از همین رو خصوصی سازی و واگذاری یکی از مسایل روز؛ خصوصاً بعد از سالهای ۱۹۸۰ گردیده است. اما پلان و مسایل برنامه ریزی در سکتور خصوصی نیز رایج ومعمول و حتا ضروری است.

پلان، تعاریف، مفاهیم، شیوه و مشخصات پلانگذاری، مراحل پلان، خصوصیات پلان( قانونی بودن، اجتماعی بودن، علمی بودن...) و ارزیابی پلانهای اجرا شده؛ یک دسپلین اکادمیک را میسازند، که تدریس و آموزش آن کار یک

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

سمستر نه، بلکه طی چندین مضمون، مطابق نصاب هر فاکولته در کشورهای مختلف شامل کریکولم آنها میباید/بودند. افغانستان نیز طی سالهای قبل چنین مضمونی را در نصاب خود داشت.

افغانستان اولین پلان علمی اقتصادی - اجتماعی خود را در زمان اعلیحضرت محمد ظاهر شاه و آخرین پلان پنجساله خود را در زمان حاکمیت حزب دیموکراتیک طرح و بعد از نظر خواهی در سال ۱۳۶۵ مورد اجرا قرار داد، ولی به هیچ صورت تطبیق نشد، بعد از آن ما فقط بعد از قرارداد لندن در سال ۱۳۸۴ در روشنی (MDGs) ستراتیژی ملی انکشافی افغانستان (ANDS) را داشتیم که صرف در سکتور صحت و معارف ۶۶ فیصد موفق بود، متباقی هیچ بخش آن اجرا نشد و کدام توفیق در آن وجود نداشت. این ستراتیژی از لحاظ شکل و محتوا کدام پلان نبود، بلکه یک دورنما و طرح تدابیر دولت افغانستان بود که در سال ۲۰۱۵ م. به پایان رسید، میتوان آن را برنامه موثر برای انکشاف کشور دانست (حیف که موفقانه اجرا نشد). جهانیان (MDGs) را در سال ۲۰۱۵ ارزیابی نمودند، و تدابیر بعدی را نیز اعلان نمودند، ولی ما نتوانستیم ستراتیژی خود را ارزیابی نماییم. این ستراتیژی دارای سه رکن بزرگ بود. تشریح آن ضرورت به یک کتاب بزرگ دارد. درحالیکه اکنون کدام پلان مدون نداریم، ولی اراکین دولت و اولیای امور اکثراً از پلانهای ادارات و پلانهای کاری شان حرف میزنند. به این ترتیب موضوع پلان از نظر مسلکی و متخصصین با کاربرد عمومی آن تفاوت زیاد دارد. هدف این نوشته این است تا برگردیم به نخستین پلانهای علمی اقتصادی - اجتماعی پنجساله افغانستان که در آن زمان اولین پلان پنجساله به نام (پلان پنجساله اقتصادی - اجتماعی دولت شاهی افغانستان) ترتیب و تدوین و مورد اجرا قرار گرفت. باوجودیکه سلسله پلانها بصورت بریده و کنده دوام داشت، ولی سه پلان پنجساله اول دارای شهرت زیاد اند.

نخستین پلان پنجساله افغانستان طی جلسات متعدد در حضور داشت صدراعظم و بعد از زحمات متوالی و خستگی ناپذیر تیم متخصص تدوین و شاه آن را توشیح نموده بودند. شاه به مناسبت طرح، تدوین و به منصفه اجرا گذاشتن آن، یک بیانیه ی ایراد نموده بود و این پلان را کلیدی برای رهایی از فقر و وارد شدن افغانستان به دوارن عصر نوین یاد نموده بود. بعد از تطبیق پلان اول پلان دوم و بعداً پلان سوم پنجساله طرح گردید، ولی ازینکه پلان اول شامل پروژه های انکشافی وزیربانی بود، پروژه های زود ثمر در آن بسیار کم بود، بنأ مصارف آن خیلی بلند تمام شد، حتا بکثرت پروژه ها به پلانهای بعدی منتقل شدند و این موضوع یک مسئله عادی و قابل درک است. خصوصاً اینکه افغانستان در آن زمان از لحاظ صعب العبور بودن راهها و نبود سرک حلقوی مشکلات خاص خود را داشت. پلان پنجساله چهارم از طرف بکثرت وکلای کمسواد بامخالفت قرار گرفت، از همین رو فکاهی را درین مورد عام ساختند که میگفتند: (در شورا موضوع زراعتی بودن و صنعتی بودن افغانستان مطرح شد، وکلا فرمودند: نخیر ما فقط افغانستان بیطرف میخوایم!)

ولی آن شورا نیز به مقایسه شورای فعلی به مراتب بهتر، ملی تر، متحدتر، صادق، مردمی و وفادار به افغانستان بود. اینکه اکثریت مردم بیسواد، وسایل اطلاعات جمعی محدود، سطح مطالعه عوام اندک و سایر مشکلات وجود داشت، موضوع جداگانه است. اگر حقیقت را بگوئیم؛ اصلاً توجه به پلانگذاری و اهمیت پلانگذاری در همین بود تا افغانستان از چنین مصائب رهایی یابد. پلان دوره جمهوریت محمد داوود خان پلان پنجساله نبود، بلکه مشابه به پلانهای کشور جاپان، یک پلان هفت ساله مد نظر گرفته شده بود، که حتا بعد از حوادث ثور ۱۳۵۷ نیز دوام یافت. خوشبختانه تمام آن پلانها نتیجه خوب داشت، چنانچه بعد از مدت چهل سال چور و چپاول، تخریب و انفجار، هنوز هم آن پروژه ها پابرجا و زیر بنا های اساسی اند!!

مردم ما میگویند: (از هیچ کار نکردن کده کم یا ناقص کارکردن خوب است)

بهر صورت؛ جناب محترم احمد نعیم خان بالای محتوای لکچر محترم خالدی انتقاد دارند، که آیا پلان سوم و چهارم چگونه عملی شدند؟

درست است، قبلاً تذکر یافت که حتا ما در تطبیق و اجرای نخستین پلان پنجساله خود با مشکلات روبرو شدیم، ولی این بدان معنا نیست که آن را قطعاً پلان ندانیم و یا از ارزش آن صرف نظر کنیم و یا آن صفحه را از تاریخ خود برکنیم و پاره کنیم. تاریخ آنچه را بازگو مینماید که به وقوع پیوسته.

بعد از سال ۱۳۱۲ ه.ش. ادارات مستقل حکومت به شکل معاصر تاسیس گردیدند، قوای سه گانه تفکیک، وزارت تجارت، پوهنخی طب، بانک ملی، وزارت خارجه و سایر وزارتخانه ها تاسیس گردید. یکی ازین وزارتها همانا وزارت محترم پلان بود که در تعمیر عصری در نزدیک چهارراهی پشتونستان قرار داشت. این وزارت دارای ورزیده ترین کادر های مسلکی و اداری بود. اکثر آنها متخصصین باتجربه بودند که نه تنها در امور پلانگذاری، بلکه در تهیه راپور ها، تحلیل ها و احصائیه ها نیز فعالیت شان مورد تأیید بود. همین اکنون ما کدام پلان پنجسایه نداریم، ولی اراکین و اولیای امور در هر مصاحبه و بیانیه خود از پلانهای شان صحبت مینمایند.

محترم احمد نعیم خان میتوانند درین مورد به اسناد وزارت پلان سابقه مراجعه نمایند، بر علاوه محترم سرمحقق دوکتور محمد علم اسحقزی اثر و پروژه حجیم علمی - تحقیقی شانرا در مورد پلانها در افغانستان تکمیل و چاپ نموده اند که در کتابخانه اکادمی علوم افغانستان موجود است، و با تذکرات محترم خالدی تضادی ندارد.

اما این را می پذیریم که در تمام این دوره ها مشکلاتی وجودداشت و نظرات متضاد و متناقض در مورد طرح، تطبیق و ارزیابی این پلنها موجود بود. مثلاً:

- مرحوم عبدالرحیمزی؛ آن شخصیت وطن دوست، تحصیل کرده کشور ترکیه و متخصص باتجربه، باوجودیکه در طرح پلان اول تلاشهای صادقانه نمود، ولی بعد ها زندانی شد،
- مشاجرات روی پلان پنجساله چهارم در شورا؛ موضوعیست که ما را در بحثهای تحلیلی با شکوک مواجه میسازد،
- تفاوت مصارف تخمینی و واقعی پلنها موضوعاتی از همین جمله اند، که ناشی از مشکلات عینی آن زمان بودند،
- قرضه ها و کمکهای بلاعوض، گرانتها...
- تغییر رژیمها و چگونگی اعتبار پلنهای رژیم قبلی..

اینها مسائلی اند که نه تنها در تحلیلهای تاریخی شاید مورد تناقض باشند، بلکه در مطالعات موثریت پلانگذاری، ارزیابی پلنهای گذشته و آموختن ما از تجارب پلان نیز شاید مورد توافق کلی نباشند. ولی هر قدر روی این موضوعات بحث صورت گیرد به نفع جوانان اند. یقیناً که محترم خالدي صاحب همین مقصد را داشته اند. بدین ترتیب باید محترم احمد نعیم خان عوض ایراد بر یک اقدام بسیار آموزنده، نیک و فداکارانه محترم خالدي، این اقدام نیک شانرا ستایش نمایند. همه میدانند که مسایل مورد اغماض از نظر افراد تفاوت دارند که تحلیلهای تاریخی - اجتماعی - اقتصادی متضمن ثبوت روشن شدن و مطابق میل هر سلیقه و ذوق هرفرد نیست. من جناب نور احمدخالدي را شخص دانشمند، باتقوا، خدمتگار جامعه، استاد و آموزگار دلخواه جوانان، روشنفکر واقعین و نویسنده موفق میدانم. هر نوشته شانرا با علاقه فراوان مطالعه نموده ام.

پایان